

## Mental Patterns of Students' Quantitative Growth Policy Outcomes: The Study Based On Q Methodology

**Hassan Danaee Fard**

Professor, Department of Public Administration, Faculty of Management & Economic, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

**Zeinab Molavi<sup>1</sup>**

Assistant Professor, Department of Public Administration, Tolou-e- Mehr Non-profit Institute of Higher Education, Qom, Iran

(Received: 2019/07/29 -Accepted: 2020/03/16)

### Abstract

One of the most important foundations of sustainable development is to educate efficient manpower which is vital for developing countries like Iran. However, the tsunami of unprecedented qualitative growth of student upon Islamic revolution especially in recent years has brought paramount consequences in the society. Present paper attempt to identify the consequences of students' qualitative growth by using Q methodology. In present paper, upon reviewing the relevant literature as well as conducting 10 interviews with elites and sending email to faculties of universities and summarizing/investigating the relevant data, 38 items were recognized as consequences. They were prioritized by participants. The instrument was interview. Ultimately, the mindsets of participants were divided into two mental patterns (paradigms) base on the findings of Q factor analysis; in other words, research findings indicate that there are two different mental paradigms or insights on the consequences of quantitative growth in universities.

### Keywords

Mental Patterns, Higher Education, Students' Quantitative Growth, Higher Education Qualitative.

---

Copyright © 2020 The Authors. Published by Faculty of Law & Political Science, University of Tehran.



This Work Is licensed under a [Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International \(CC BY-NC 4.0\)](https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/)

---

1 - Corresponding Author's Email: Ze\_molavi@ut.ac.ir



فصلنامه علمی - پژوهشی سیاستگذاری عمومی، دوره ۶، شماره ۱، بهار ۱۳۹۹، صفحات ۱۲۵-۱۰۷

## الگوهای ذهنی اعضای هیئت علمی درباره پیامدهای سیاست

### رشد کمی دانشجویان: مطالعه‌ای بر اساس روش کیو

حسن دانایی فرد

استاد مدیریت دولتی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

زینب مولوی<sup>۱</sup>

استادیار مدیریت دولتی مؤسسه آموزش عالی طلوع مهر قم، قم، ایران

(تاریخ دریافت: ۹۸/۵/۷ - تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۲۶)

#### چکیده

در ایران سونامی رشد بی‌رویه کمی دانشجویان در سال‌های پس از انقلاب به ویژه سال‌های اخیر، پیامدهای متعددی در سطح جامعه داشته است. هدف این مقاله شناسایی پیامدهای رشد کمی دانشجویان در ایران از دیدگاه اعضای هیئت علمی است. به این منظور با استفاده از روش‌شناسی کیو، ذهنیت‌های مختلف اعضای هیئت علمی نسبت به این موضوع تحلیل و بررسی شد. پژوهش حاضر با رویکرد اکتشافی به روش پیمایشی انجام گرفته است. ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه بود و نمونه‌گیری به روش دردسترس انجام گرفت. برای تحقق هدف پژوهش، پس از مطالعه متون نظری تحقیق و انجام دادن ده مصاحبه با خبرگان آگاه و متخصص در حوزه موضوع پژوهش و با معیار اشباع نظری داده‌ها، و ارسال ایمیل به اعضای هیئت علمی، پس از خلاصه‌سازی و بررسی گزاره‌های حاصله، ۳۸ گزاره به عنوان پیامد رشد کمی دانشجویان شناسایی و اولویت‌بندی شد. در نهایت، نتایج نشان داد دو دیدگاه یا الگوی ذهنی متمایز نسبت به پیامدهای رشد کمی دانشجویان وجود دارد.

**واژگان کلیدی:** الگوی ذهنی، آموزش عالی، رشد کمی دانشجویان، کیفیت آموزش عالی.

## مقدمه

مورخان از دانشگاه‌ها به عنوان دستاورد بزرگ روشنفکری قرون وسطی یاد می‌کنند که ماهیت و اداره سازمانی آن‌ها در اسکندریه باستان و فرهنگ اسلامی ریشه دارد. دانشگاه‌ها توسط فرایندهای پیچیده‌ای شکل گرفته‌اند که طی آن انسان‌ها و فرهنگ‌ها باهم ترکیب شدند. دانشگاه‌های جهان به منظور تأمین نیازهای مردم و کشورهاشان، هم اکنون به آموزش ده‌ها میلیون نفر دانشجو اشتغال دارند و اقتصاد مبتنی بر دانش در اولویت خاص کشورهای پیشرفته قرار گرفته است. بسیاری از کشورهای در حال توسعه نیز، برای پاسخگویی به تقاضاهای اجتماعی، گسترش آموزش عالی را در صدر سیاستگذاری‌های خود قرار داده‌اند (Arasteh, 2005: 5). نقش آموزش عالی در قرن بیست و یکم، که قرن دانش‌بنیان نامیده شده، در تولید، اشاعه و کاربست دانش برای توسعه کشورها انکارناپذیر است. به طوری که منبع اصلی ایجاد دانش تلاش‌های انسانی است که از طریق فعالیت‌های آموزشی مناسب ایجاد می‌شود (Dhamdhere, 2015: 162). از طرفی، با توجه به افزایش جمعیت دانشجویی، انتظارات از نظام‌های آموزش عالی در کشورهای مختلف جهان دگرگون شده است. به این دلیل ناهماهنگی افزایش تعداد دانشجویان با رشد سایر عوامل دروندادها و فرایندهای نظام‌های یادشده، توجه به کیفیت این نظام‌ها را الزامی کرده است (Bazargan, 2015: 12). از طرفی، صاحب‌نظران اعتقاد دارند آموزش عالی برای افراد ارزشمند است و برای جامعه و اقتصاد سودمند است اما هر کسی آمادگی ورود به آموزش عالی را ندارد. بنابراین، ورود دانشجویان به مراکز و مؤسسات آموزش عالی، الزاماً به بهره‌وری بیشتر اقتصادی و اجتماعی منجر نخواهد شد و این موضوع لزوم سیاستگذاری مناسب در پذیرش دانشجویان را بیش از پیش نمایان می‌کند (Kyllonen, 2012: 85). علیرغم اینکه برای توسعه متوازن کشورها، نظام کلان آموزش عالی باید در هر دو بعد کمی و کیفی به صورت موزون و متعادل رشد نماید، آموزش عالی و دانشگاه‌های ایران در سه دهه گذشته پیشرفت‌ها و افزایش قابل توجهی بیشتر در زمینه تعداد دانشجو و افزایش نسبت ثابت نام به جمعیت گروه سنی ۱۵ تا ۲۴ ساله داشته است (Naderi and Ismailnia, 2011: 2)، و در سال‌های اخیر همگام با رشد کمی دانشگاه‌ها به کیفیت توجه چندانی نشده است (Noorshahi, 1993: 37). همچنین، نگاهی به تحولات نظام آموزشی عالی ایران در دو دهه گذشته از نظر جمعیت دانشجویی، نشان می‌دهد رشد کمی در اولویت بوده است و به کیفیت در دانشگاه‌ها و بهبود و ارتقاء آن توجه کافی نشده است. این امر مسائل و مشکلاتی را برای نظام آموزش عالی کشور به همراه داشته است (Rahimi et al., 2002: 24). با توجه به موارد گفته‌شده این تحقیق بر آن است تا نظر کارشناسی اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها را درباره پیامدهای رشد کمی دانشگاه‌ها بررسی کند. بنابراین، هدف اصلی این پژوهش شناسایی پیامدهای

رشد کمی دانشجویان از دیدگاه اعضای هیئت علمی است. به این منظور بعد از ارائه مبانی نظری موضوع و روش‌شناسی پژوهش، یافته‌های حاصل از بررسی میدانی تحلیل شده و الگوهای ذهنی ارائه می‌شود.

### سیر رشد کمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی در ایران

درک اهمیت آموزش عالی از سوی کشورهای جهان باعث شده تا توسعه نظام آموزش عالی در اولویت سیاستگذاری آموزش عالی قرار گیرد. در ایران نیز تعداد دانشجویان کشور از ۱۷۵ هزار و ۶۷۵ نفر در سال ۱۳۵۷ به ۴ میلیون و ۶۸۵ هزار نفر در سال تحصیلی ۹۲-۹۳ رسیده است و توسعه کمی آموزش عالی غیردولتی در مدتی حدود بیست سال، با توسعه کمی آموزش عالی دولتی که در مدت نیم قرن رخ داده بود، برابر شد. یکی از دغدغه‌های مقام معظم رهبری که در سخنرانی‌های مختلف به ویژه در چند سال اخیر بر آن تأکید کرده‌اند، مسئله کیفیت محتوای آموزشی دانشگاه‌ها با تأکید ویژه بر علوم انسانی است<sup>۱</sup> (Abbasi and Shirepaz Arani, 2011:3; The statistical yearbook of the country from 2007 to 2012; Institute of Research and Higher Education website).

جدول ۱- سیر رشد کمی در آموزش عالی بین سال‌ها ۵۷ تا ۹۳

رشد	سال ۹۲-۹۳	سال ۵۷-۵۸	
۱۷/۷۲	۱۰۴۳۷۶۵	۵۸۸۷۱	مقطع کاردانی
۲۹/۵۳	۲۹۲۰۹۶۳	۹۸۹۱۷	کارشناسی
۹۱/۴۸	۵۸۰۰۰۰	۶۳۴۰	کارشناسی ارشد
۶/۵۳۱	۶۷۲۲۱	۱۰۲۹۲	دکترای حرفه‌ای
۵۸/۵۱	۷۳۴۳۷	۱۲۵۵	دکترای تخصصی
۷/۶۳	۳۰۲۲	۳۹۶	رشته تحصیلی
۹/۷۹	۷۰۸۴۰	۷۲۳۱	تعداد هیئت علمی

Source: (The statistical yearbook of the country from 2007 to 2012; Institute of Research and Higher Education website).

۱ - دیدار مقام معظم رهبری با جمعی از استادان دانشگاه‌ها در تاریخ ۸/۶/۸۸، ایشان در این دیدار می‌فرمایند: «... [از] سه میلیون و نیم [دانشجوی کشور] حدود دو میلیون دانشجویان علوم انسانی‌اند. .... ما در زمینه علوم انسانی، کار بومی و تحقیقات اسلامی چقدر داریم؟ کتاب آماده در زمینه‌های علوم انسانی مگر چقدر داریم؟ استاد میرزی که معتقد به جهان‌بینی اسلامی باشد ... مگر چقدر داریم که این همه دانشجو برای این رشته‌ها می‌گیریم؟ این نگران‌کننده است».

۲ - به آدرس <https://irphe.ac.ir/page/833/>

همان‌طور که مشاهده می‌شود بیشتر رشد دانشجویی در مقطع ارشد بوده است که بیش از ۹۱ برابر در طول سال‌های ۵۷ تا ۹۳ رشد داشته است و کمترین رشد مربوط به دکتری حرفه‌ای بوده است که در سال ۹۳-۹۲ نسبت به سال ۵۸-۵۷ حدود ۶/۵ برابر رشد داشته است. براساس جدول ۲، عدم تعادل رشد رشته‌های تحصیلی و افزایش تعداد دانشجویان، و از طرفی، رشد کمتر هیئت علمی دانشگاه‌ها نسبت به رشد دانشجویان ورشته‌های تحصیلی، از دیگران معضلات بوده است.

### عوامل مؤثر در طراحی سیاست توسعه کمی آموزش عالی

از شهریور ۱۳۲۰ تا وقوع انقلاب اسلامی، آموزش عالی به فرصتی اجتماعی برای رشد، و هنجار و قاعده‌ای برای تعریف و ایفای نقش اجتماعی برای هر جوان مبدل شد. نظام عرضه آموزش عالی با خصلتی عمدتاً دولتی و متکی بر نفت و اساساً مستقل از تقاضا با نرخ رشد بسیار بالایی بی‌توجه به منطق محاسبه‌گری اقتصادی و اجتماعی، و ارزیابی هزینه-فایده توسعه یافت و این ویژگی‌ها آن را آسیب‌پذیر کرد. عمده‌ترین عوامل مؤثر بر اعمال سیاست توسعه کمی آموزش عالی عبارت‌اند از (Abbasi and Shirepaz Arani, 2011:5-7): الف) رشد جمعیت: پس از انقلاب اسلامی و در دهه ۱۳۶۰، نرخ رشد جمعیت به نقطه اوج خود رسید و پیامد آن افزایش تعداد دانش‌آموزان کشور در فاصله بین سال‌های ۶۶ تا ۷۶ بود که بخشی از آن‌ها متقاضیان آموزش عالی را تشکیل داده‌اند، از سویی جوان‌شدن جمعیت و میل به فهمیدن و ابراز وجود و کسب رضایت از ایفای نقش اجتماعی از سوی قشر جوان، تحولات مفهومی و ساختاری بنیادینی در روان‌شناسی اجتماعی جامعه ایجاد کرد و ادامه تحصیل در دانشگاه‌ها یک هنجار عمومی شد. ب) الگوی مداخله حداکثر دولت و عدالت توزیعی: بر اثر تحولات نهاد سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کشور، الگوی حداکثر مداخله دولت در فعالیت‌های جامعه و از جمله تصدی‌گری دولتی در بخش آموزش عالی بعد از انقلاب اسلامی رسمیت یافت. غلبه تفکر مساوات‌گرایانه و عدالت توزیعی<sup>۱</sup> در نظام سیاست‌گذاری، به وضع سهمیه‌های پذیرش دانشگاه‌ها به منظور دستیابی به نوعی توازن و برابری فرصت دسترسی به آموزش عالی برای افراد جامعه منجر شد که بر اساس آن دولت باید با برنامه‌ریزی متمرکز به تقسیم امکانات در بخش‌های محروم بپردازد. ایجاد و گسترش مراکز آموزش عالی در مراکز شهری، بخش‌های محروم یا شهرهای مجاور آنان به منظور تربیت نیروی انسانی مورد نیاز هر منطقه، همچنین، افزایش سهمیه بخش‌های محروم در پذیرش دانشگاه‌ها از اهداف برنامه اول توسعه بوده است.

### سیاست رشد کمی دانشگاه‌ها

یکی از تحولاتی که در نهادهای اجتماعی جامعه ایران به خصوص در اثر انقلاب اسلامی روی داد، کاسته شدن از خصیصه تقریباً طبقاتی قبل از انقلاب و جایگزینی جامعه توده‌وار<sup>۱</sup> به جای آن بود. آموزش عالی پس از انقلاب اسلامی، حقی قانونی، همگانی و رایگان برای همه شد که تقاضای اجتماعی برای آن به دلایل تحولات مختلف اجتماعی، رو به توده‌ای شدن می‌نهاد. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های سیاست توسعه کمی دانشگاه‌ها، توده‌ای و عمومی شدن دانشگاه در همه ابعاد آن است. در این فرایند مشارکت و حضور توده‌های مردم در دانشگاه‌ها چنان افزایش می‌یابد که اقتدار نخبگان شکسته می‌شود و به تدریج نوعی نظام توده‌گرا جانشین نظام نخبه‌گرا می‌شود (Chaney, 2002). در نتیجه تحولات فوق، از نیمه دوم دهه ۶۰ به تدریج تغییری در گفتمان‌ها پدید آمد و به سبب ناتوانی مدیریت آموزش عالی کشور در پاسخگویی به تقاضای فشرده اجتماعی که به یک معضل بزرگ ملی و بحران مبدل می‌شد، زمینه‌های متنوع‌سازی در ظرفیت عرضه آموزش عالی کشور به صورت مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی و آموزش‌های نیمه‌حضوری، دوره‌های شبانه و توسعه مؤسسات آموزش عالی وابسته به سایر دستگاه‌های اجرایی و رشته‌های نیمه متمرکز آغاز شد. این متنوع‌سازی موجب شد قدری از سنگینی تقاضای تأمین نشده کاسته شود. به تدریج زمینه‌هایی برای به رسمیت شناختن مؤسسات عالی غیردولتی فراهم شد و اساسنامه دانشگاه آزاد اسلامی نیز رسماً تصویب شد و با تصویب ماده واحده‌ای در مجلس شورای اسلامی جایگاه حقوقی آن تثبیت، و مرحله رشد صعودی آن آغاز شد. در سال ۱۳۶۴، کلیات آیین‌نامه تأسیس مؤسسات آموزش عالی غیردولتی غیرانتفاعی (مصوب چهل و یکمین جلسه مورخ ۶۴/۷/۲۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی) تصویب شد. دانشگاه پیام نور با برخورداری از ساختار ویژه و متفاوت با نظام آموزشی دانشگاه‌های موجود و به منظور ارتقای سطح علمی و فرهنگی جامعه، گسترش آموزش عالی در اقصی نقاط کشور و راهیابی تعداد بیشتری از داوطلبان مستعد به آموزش عالی، فراهم آوردن امکان ادامه تحصیل برای داوطلبان شاغل یا خانه‌دار، تأمین بخشی از نیروهای تخصصی جامعه و استفاده مؤثر از نیروهای علمی و امکانات در سال ۱۳۶۶ تأسیس شد. برنامه‌های این دانشگاه برای ایجاد هماهنگی میان آموزش و تحولات سریع اجتماعی شکل گرفت. آیین‌نامه دانشگاه جامع علمی - کاربردی در مهرماه سال ۱۳۷۰ با هدف افزایش سطح مهارت شاغلین بخش‌های مختلف اقتصادی و افزایش مهارت‌های حرفه‌ای دانش‌آموختگان مراکز آموزشی که فاقد تجربه اجرایی می‌باشند، به تصویب رسید. دانشگاه فنی و حرفه‌ای که قبلاً تحت عنوان مؤسسه فنی و حرفه‌ای زیر نظر وزارت آموزش و

پرورش بود، توسط مجلس شورای اسلامی طبق ماده ۲۳ قانون برنامه پنجم توسعه به وزارت علوم واگذار و نامش به دانشگاه فنی و حرفه‌ای تغییر یافت. که در نهایت، روند افزایش تعداد دانشگاه‌ها و افزایش ظرفیت آموزش عالی ادامه یافت تا سال ۱۳۹۶ که براساس دفترچه راهنمای کنکور صادرشده توسط سازمان سنجش آموزش کشور به حدود ۷۰۰ هزار در سه گرایش آزمایشی علوم تجربی، علوم ریاضی و فنی، و علوم انسانی رسید.

### پیشینه پژوهش

مطالعات محققان نشان داد رشد کمی دانشجویان در ایران در سال‌های اخیر دغدغه پژوهشگران بوده است اما در این مهم از دیدگاه اعضای هیئت علمی به صورت علمی بررسی نشده است. فریدونی (2017) در پژوهش خود با عنوان «گسترش کمی آموزش عالی با تأکید بر پیامدهای اجتماعی؛ نظریه‌ای داده‌بنیاد» نشان داد بال رفتن سطح دسترسی مردم به آموزش عالی به‌عنوان مطالبه‌ای همگانی دستاورد انباشت نسلی و براساس قانون اساسی آغازگر سیاست‌های گسترش کمی بوده است که به بالابردن سطح آگاهی، رشد و توسعه شهری، تغییر در سبک زندگی، شکل‌گیری هنجارهای نوین اجتماعی، بی‌ارزش شدن مدرک تحصیلی و دانشگاه، کاهش چشمگیر کیفیت آموزش عالی و اثرهای آن در بحران افزایش منابع انسانی ناکارآمد و افزایش بیکاری‌های منطقه‌ای، به‌عنوان پیامدهای اجتماعی رشد کمی آموزش عالی منجر می‌شود. قارون (2014) در مطالعه‌ای با عنوان «سیاست‌های گسترش آموزش عالی در سال‌های اخیر: توسعه ظرفیت یا اتلاف منابع»، خالی‌ماندن ظرفیت مقاطع کاردانی و کارشناسی در سال‌های اخیر، الگوی نامناسب توسعه آموزش و اتلاف منابع را نشان می‌دهد. مرتاض هجری و جلیلی (2016) در مطالعه خود روند رشد کمی تحصیلات تکمیلی کشور را در مقایسه با جهان بررسی کردند و نشان دادند در سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۱ رشد کمی دانشجویان کارشناسی و بالاتر در جهان و ایران به ترتیب، ۷۱ و ۱۴۷ درصد بوده است که بیشترین افزایش در میان دختران دانشجو (معادل ۱۹۶) درصد بوده است و نتیجه‌گیری می‌کند در طی چند سال گذشته رشد کمی ایران نسبت به سایر کشورها بسیار بیشتر بوده است و این رشد در کشورهای توسعه‌یافته بسیار پایین‌تر بوده است. بازرگان (2015) در تحقیقی با عنوان «استانداردهای آموزش عالی: از آرمان تا واقعیت» بیان کرد آموزش عالی در قرن بیست و یکم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و برای اینکه بتواند پاسخگوی انتظارات جامعه باشد، باید در بخش‌های مختلف دولتی و غیردولتی همزیستی مسالمت‌آمیز داشته باشد. از این رو، ارتقا و بهبود کیفیت نظام‌های آموزش عالی باید در زمره اولویت‌های هر کشوری قرار گیرد، زیرا با نتایج ارزیابی عوامل درون‌داد، فرایند و برون‌داد این

نظام می‌توان به سیاستگذاری و برنامه‌ریزی اثربخش پرداخت و بر اجرای عملیات نظارت کرد تا به هدف‌های مورد نظر دست یافت. در حالی که برای ارزیابی باید استانداردهایی در دسترس باشد و با استفاده از ملاک‌ها و نشانگرها، درباره کیفیت قضاوت کرد، استانداردهای بین‌المللی کیفیت تا به حال تدوین نشده است و از سوی دیگر اگرچه استانداردهای ملی کیفیت آموزش عالی در برخی کشورها تدوین شده، اما نمی‌توان آن‌ها را در کشورهای دیگر به کار گرفت.

### روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف از نوع بنیادی و با رویکرد آمیخته اجرا شده است. همچنین، این تحقیق از نظر نحوه گردآوری داده‌ها تحقیقی توصیفی از نوع پیمایشی است که به روش کیو انجام گرفته است. روش کیو روشی است که به‌طور همزمان به صورت آمیخته انجام می‌گیرد، تفاوت اصلی روش کیو با سایر روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی د این است که در روش‌شناسی کیو، به جای متغیرها افراد تحلیل می‌شوند (Brown, 1996). روش کیو از پنج مرحله تشکیل شده است. در مرحله اول با مطالعات کتابخانه‌ای، متون نظری پژوهش بررسی شده و پیش‌زمینه انجام مراحل بعدی فراهم می‌شود. محقق با انجام مرحله اول نسبت به موضوع شناخت به دست می‌آورد. در مرحله دوم با استفاده از مصاحبه و بررسی اسناد و مدارک، اطلاعات تکمیلی درباره مسائل مرتبط با تحقیق کسب می‌شود. شایان ذکر است در مرحله دوم روش کیو در پژوهش حاضر با ۱۰ نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاه تهران به عنوان خبرگان آگاه در این حوزه مصاحبه شد، همچنین، با ارسال بیش از هزار ایمیل به اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، نظرات ایشان در مورد موضوع تحقیق احصا شد. کوئل بیان می‌کند در صورتی که هدف از مصاحبه، اکتشاف و توصیف عقاید و نگرش‌های مصاحبه‌شوندگان باشد، با توجه به زمان و منابع قابل دسترس تعداد  $10 \pm 15$  مصاحبه کافی خواهد بود (McKeown & Thomas, 1988). در این تحقیق، در مجموع، ۳۱ ایمیل ارسالی پاسخ داده شد که با مجموع نظرهای افرادی که مصاحبه با آن‌ها انجام گرفت، در نهایت، ۴۱ نفر به سؤال تحقیق پاسخ دادند. نتایج مراحل اول و دوم، فضای گفتمان<sup>۱</sup> را تشکیل داد. در مرحله سوم باید با ارزیابی و جمع‌بندی محتویات فضای گفتمان، عبارات آن را ساماندهی کرد و نمونه عبارات را به عنوان نمونه کیو انتخاب کرد. مک‌کئون و توماس (1998) ۳۰ تا ۱۰۰ عبارت را برای نمونه کیو مناسب می‌دانند. در مرحله چهارم، مشارکت‌کنندگان به مرتب‌سازی و دسته‌بندی



کارت‌های دسته کیو<sup>۱</sup> خواهند پرداخت. در نهایت، به تحلیل داده‌های گردآوری شده به روش تحلیل عاملی کیو و تفسیر عامل‌های<sup>۲</sup> استخراج شده پرداخته می‌شود (Corr, 2001).

### قابلیت اعتماد و قابلیت اعتبار روش کیو

در حالی که مطالعه کیو در پی سنجش هیچ سازه‌ای نیست. آنچه می‌تواند درباره مطالعه کیو مطرح شود، جامعیت عبارات نمونه کیو است. به عبارت دیگر، پژوهشگر باید از خود بپرسد آیا عبارات گردآوری شده از چنان جامعیت و وسعتی برخوردار هستند که بتواند ذهنیت‌های مختلف را نمایان کنند. از این نظر اعتبار محتوایی براساس رتبه‌ای که مشارکت‌کنندگان به عبارات و عبارات مجاور آن می‌دهند، قابل بررسی است. همچنین، اعتبار صوری با بررسی میزان رضایت مشارکت‌کنندگان نسبت به ظرفیت و قابلیت عبارات برای نشان دادن ذهنیت آنان امکان‌پذیر است؛ یعنی آیا عبارات موجود به ابعاد مختلف موضوع تحت بررسی پرداخته است تا آن‌ها بتوانند از طریق مرتب‌سازی ذهنیت خود را بیان کنند (Brown, 1996). برای مرتب‌سازی کیو قابلیت اعتماد هم قابل طرح است. یعنی می‌توان پرسید آیا یک مشارکت‌کننده یک دسته کارت را با دستورالعمل یکسان در تکرارهای مختلف به یک شکل مرتب می‌کند؟ باید توجه داشت که بر حسب موضوع مطالعه کیو، طیف به کارگرفته شده و تعداد کارت‌ها، می‌توان انتظار داشت که تکرار مرتب‌سازی، منجر به نتیجه کاملاً یکسان نشود. با وجود این، دنیس<sup>۳</sup> بر قابلیت اعتماد بالای داده‌های کیو تأکید دارد. شایان ذکر است برای بررسی قابلیت اعتماد در این تحقیق، از روش آزمون - آزمون مجدد<sup>۴</sup> استفاده شد.

### جامعه آماری

برای پیمایش جامعه و شناخت پیامدهای رشد کمی پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها، اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها به عنوان جامعه آماری در نظر گرفته شد که این افراد به دلیل نزدیکی با موضوع مورد بحث و آشنایی با مباحث مدنظر این مقاله، همچنین، خبرگی در حوزه تحقیق برگزیده شدند. با ارسال حدود ۱۱۵۰ ایمیل برای اعضای هیئت علمی در رشته‌های مختلف و در دانشگاه‌های مختلف و مصاحبه با ۱۰ نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاه تهران در رشته‌های تحصیلی مختلف، دیدگاه‌ها گردآوری شد. روش نمونه‌گیری از افراد به صورت در دسترس بوده

1 - Q deck  
2 - Factor  
3 - Dennis  
4 - Test\_Retest



ضریب پایایی در این تحقیق با استفاده از روش آزمون-آزمون مجدد ۷۹ درصد به دست آمد، به عبارت دیگر، تکرار مرتب‌سازی با ضریب ۷۹ درصد با مرتب‌سازی قبلی سازگار بود. روایی نیز از طریق میزان تناسبی که بین محتوای گزاره‌هایی که یا بر روی درجه یکسانی از طیف یا بر روی درجه‌های مجاور قرار دارند، همچنین، میزان رضایت مشارکت‌کنندگان حاصل شد. برای شناسایی الگوهای ذهنی، رتبه‌بندی و مرتب‌سازی نمودارهای انجام‌گرفته توسط خبرگان از نرم‌افزار SPSS استفاده شد. جهت انجام تحلیل عاملی از ماتریس همبستگی<sup>۱</sup> استفاده شد. عامل‌ها به وسیله روش مؤلفه اصلی<sup>۲</sup> استخراج شدند و به روش واریماکس<sup>۳</sup> سه دور چرخش یافتند.<sup>۴</sup> روش تحلیل عاملی اصلی‌ترین روش آماری برای تحلیل ماتریس داده‌های کیو است. بارهای عاملی<sup>۵</sup> استخراج شده در جدول ۳ نمایش داده شده است. با توجه به اینکه از روش مؤلفه‌های اصلی برای استخراج عامل‌ها استفاده می‌شود، از اصطلاح component به جای عامل استفاده شده است. ابتدا خروجی تعداد عامل‌های استخراج‌شده گزارش شده است. سپس، بارهای عاملی پس از چرخش ارائه شده‌اند. بارهای عاملی نشان می‌دهد دو عامل (الگوی ذهنی) شناسایی شده است (بارهای عاملی بزرگتر از ۰/۵). بنابراین، با توجه به جدول ۲، اشخاص اول، دوم، چهارم، پنجم، ششم، هفتم، هشتم، نهم، دهم، یازدهم، چهاردهم و شانزدهم مشترکاً عامل (الگوی ذهنی) اول و اشخاص سوم، دوازدهم، سیزدهم، هفدهم، هجدهم و نوزدهم مشترکاً عامل دوم و اشخاص را تشکیل می‌دهند.

- 
- 1 - Correlation Matrix  
2 - Principal Components  
3 - Varimax

۴ - شیوه آماری چرخش عامل‌ها در ادبیات روان‌شناسی کیو، شیوه‌های عینی (Objective) نامیده می‌شوند، زیرا مبتنی بر ساختار حاکم بر داده‌ها هستند. در مقابل آن، شیوه نظری (Theoretical) که قضاوتی (Judgmental) نیز نامیده می‌شود، وجود دارد که بر اساس ملاحظات نظری یا اطلاعات قبلی پژوهشگر صورت می‌گیرد. منبع این اطلاعات می‌تواند چیزهایی باشد که در طول اجرای تحقیق به دست آمده‌اند.

- 5 - Factor Loading

جدول ۲ - ماتریس عامل‌ها

عامل‌ها	عامل اول	عامل دوم
۱	۰/۰۴۹	۰/۹۹۹
۲	۰/۹۹۹	-۰/۰۴۹

جدول ۳ - ماتریس چرخش یافته عامل‌ها

شرکت کنندگان	عامل‌ها	
	عامل اول	عامل دوم
شرکت کننده ۱	۰/۹۳۳	-۰/۱۱۸
شرکت کننده ۲	۰/۹۱۷	۰/۱۹۴
شرکت کننده ۳	-۰/۰۱۹	۰/۷۰۱
شرکت کننده ۴	۰/۸۱۳	-۰/۱۱۲
شرکت کننده ۵	۰/۷۱۹	۰/۰۹۷
شرکت کننده ۶	۰/۶۴۱	-۰/۱۴۵
شرکت کننده ۷	۰/۸۰۱	۰/۳۱۴
شرکت کننده ۸	۰/۷۴۱	۰/۶۵۱
شرکت کننده ۹	۰/۶۱۹	۰/۰۲۱
شرکت کننده ۱۰	۰/۷۱۴	۰/۴۱۲
شرکت کننده ۱۱	۰/۸۵۱	۰/۴۵۱
شرکت کننده ۱۲	۰/۲۱۳	۰/۷۱۴
شرکت کننده ۱۳	۰/۴۱۳	۰/۵۹۴
شرکت کننده ۱۴	۰/۵۵۹	۰/۴۷۲
شرکت کننده ۱۵	۰/۱۵۹	۰/۶۱۵
شرکت کننده ۱۶	۰/۹۰۴	-۰/۲۱۰
شرکت کننده ۱۷	۰/۱۱۷	۰/۷۴۴
شرکت کننده ۱۸	۰/۰۳۲	۰/۹۹۴
شرکت کننده ۱۹	۰/۳۱۵	۰/۶۴۱

جدول ۴ - مقدار واریانس کل تبیین شده

و ۳	Rotation Sums of Squared Loadings		
	Total	% of Variance	Cumulative %
۱	۱/۶۱۳	۴۶/۱۰۸	۴۶/۱۰۸
۲	۱/۰۳۹	۳۴/۶۲۹	۸۰/۷۳۷

مقدار ویژه هر عامل (ستون کل) و سهمی از واریانس که توسط هر عامل تبیین می‌شود و جمع تراکمی در جدول ۴ نشان داده شده است، همانطور که مشاهده می‌شود واریانس کل برابر با کل واریانس تبیین شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود این افراد حدود ۸۱ درصد نظرات افراد جامعه را پوشش می‌دهد و حدود ۱۹ درصد نظرات در این پیمایش مد نظر قرار نگرفته است. احتمالاً بتوان الگوی ذهنی دیگری در رابطه با موضوع به دست آورد.

با توجه به دیدگاه خبرگان، در مجموع دو عامل (الگوی ذهنی) قابل تمییز است (عواملی که دارای مقادیر ویژه بالای یک می‌باشند) که این دو عامل جمعاً در حدود ۸۰/۷۳۷ درصد واریانس کل را تبیین می‌کنند. براساس جدول ۴، الگوی ذهنی نخست، ۴۶/۱۰۸ درصد واریانس کل و الگوی ذهنی دوم ۳۴/۶۲۹ درصد واریانس کل را تبیین می‌کند.

در جدول ۵، ۳۸ گزاره و امتیازهای عاملی به دست آمده برای هر دو الگوی ذهنی، نمایش داده شده است.

جدول ۵ - امتیاز عامل به دست آمده برای هر گزاره در هر الگوی ذهنی

رتبه	گزاره	امتیاز عاملی الگوی ذهنی اول	امتیاز عاملی الگوی ذهنی دوم
۱	رشد بی‌رویه بیکاری تحصیل‌کردگان	۳۸	۹
۲	کاهش کیفیت فارغ‌التحصیلان	۳۶	۱۴
۳	ایجاد ناامیدی در جامعه تحصیل‌کردگان	۳۱	۱۶
۴	عدم تناسب عرضه و تقاضای نیروی کار در رشته‌های مختلف	۳۷	۱۶
۵	افزایش حجم بودجه اختصاص یافته به مراکز آموزش عالی و افزایش هزینه‌های دولت	۳۳	۱۷
۶	فرار مغزها	۳۱	۲۱
۷	افزایش استخدام نیروی کار در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی به تبع افزایش تعداد دانشجویان	۱۴	۳۷
۸	افزایش سطح آگاهی و دانش افراد در سطح ملی	۱۱	۳۵
۹	نزدیک شدن به استانداردهای تحصیلاتی در سطح جهان	۹	۳۸
۱۰	ایجاد فرصت برای همه در ورود به دانشگاه و کاهش تضاد طبقاتی	۱۵	۳۴
۱۱	رواج مدرک‌گرایی	۳۷	۱۷
۱۲	به تعویق افتادن ازدواج در اثر طول دوره تحصیل در مقاطع متوالی	۳۳	۱۲
۱۳	کاهش بهره‌وری مراکز آموزش عالی به دلیل عدم تناسب رشد فضاهای آموزشی با رشد تعداد دانشجویان	۳۵	۱۲
۱۴	ایجاد بازار سیاه پایان نامه، مقاله، کتاب و...	۳۷	۱۱
۱۵	افزایش حجم پایان‌نامه‌ها با موضوعات غیرکاربردی و تکراری	۳۸	۱۳
۱۶	افزایش دلالتی علمی و سودآوری در این زمینه	۳۷	۱۹
۱۷	جهت‌گیری مناسب زندگی جوانان به سمت تحصیل و جلوگیری از خیابان‌گردی‌ها و... در میان جوانان	۳۸	۱۲
۱۸	بلوغ اجتماعی و آگاهی اجتماعی جوانان و تعداد بیشتری از افراد جامعه	۱۴	۳۷
۱۹	کاهش کیفیت خروجی‌های پژوهشی و تألیفاتی و مسأله‌محور نبودن آن‌ها	۳۸	۹
۲۰	رقابت ناسالم در افزایش کمی رزومه تحصیلی	۳۷	۱۳
۲۱	افزایش پارتی‌بازی و رابطه‌مداری در استخدام‌ها و واگذاری	۳۳	۱۹

		مشاغل محدود به دلیل حجم بالای فارغ‌التحصیلان	
۲۲	۳۸	۱۱ ایجاد مد (تب) ورود به دانشگاه و تبعات مالی و روانی آن برای جامعه	
۲۳	۳۶	۹ مد ورود به دانشگاه هزینه‌های تحصیلی مالی و غیرمالی بر خانواده متحمل می‌کند و در نتیجه افزایش هزینه‌های فرزنددارشدن و در نهایت، کاهش رشد جمعیت	
۲۴	۳۳	۱۴ با افزایش عرضه نیروی تحصیل کرده و کاهش عرضه نیروهای ماهر تحصیل نکرده تقاضا برای این نیروها افزایش یافته و نرخ این نیروها افزایش می‌یابد.	
۲۵	۳۱	۱۶ افزایش عرضه و کاهش نرخ نیروی کار تحصیل کرده و عدم تناسب تخصص و نرخ نیروی کار تحصیل کرده در بازار	
۲۶	۳۲	۱۷ ایجاد مشاغل کاذب در میان تحصیل کردگان	
۲۷	۳۵	۱۳ بحران نامناسب بودن نسبت دانشجو به استاد (بعضاً ۱ به ۶۰)	
۲۸	۳۴	۱۱ بروز مشکلات در فضاهای آموزش و خوابگاه‌های دانشجویی	
۲۹	۳۳	۱۴ کاهش اعتبار علمی دانشگاه‌ها در پی کاهش کیفیت خروجی‌ها	
۳۰	۱۴	۳۷ وجود ذخیره جمعیتی جوان و منابع انسانی وافر که با انتخاب و هدایت صحیح این منابع بالقوه می‌توان ذخیره سرمایه انسانی قابل توجه به لحاظ کمی و کیفی در یک برهه زمانی مناسب ایجاد کرد.	
۳۱	۱۱	۳۴ ایجاد رقابت مفید و سازنده میان دانشجویان و دانشگاه‌ها برای ارتقای علمی و مهارتی	
۳۲	۳۱	۱۱ تراکم و تمرکز تقاضای اجتماعی در چند رشته محدود در هر گروه تحصیلی که عمدتاً ارتباط مستقیم با میزان پذیرش آن‌ها در دانشگاه دارد.	
۳۳	۲۹	۱۶ عدم توان و قابلیت جریان‌های جدید آموزش عالی در جذب تقاضای اجتماعی و بنابراین اصرار و تمرکز تقاضا در دوره‌های روزانه دولتی	
۳۴	۳۲	۱۴ عدم توازن بین تمایل سرمایه‌گذاری در آموزش عالی و توان سرمایه‌گذاری افراد و خانوارها و در نتیجه تراکم تقاضای اجتماعی به دلیل اصرار برای ورود به دوره‌های روزانه دولتی	
۳۵	۳۱	۱۲ درگیر بودن بخش آموزش عالی با چالش میان دو الگوی پاسخگویی به تقاضای اجتماعی و تأمین تقاضای بازار. الگوی اول به اصالت دانشگاه و محوریت علم و تحقیق و به تقاضای اجتماعی آموزش عالی به عنوان سرمایه پیشرفت و کمال و فرصت توسعه می‌نگرد در حالی که الگوی دوم دانشگاه را نهاد خادم بازار کار تلقی می‌کند.	
۳۶	۳۵	۱۳ حداکثر تأثیرپذیری بخش آموزش عالی از نهادهای اقتصادی اجتماعی و حداقل تأثیرگذاری آن بر کارکرد نهادهای مذکور به ویژه بازار کار نیروهای تحصیل کرده دانشگاهی و نهادهای مدیریتی و برنامه‌ریزی	
۳۷	۳۷	۱۴ چسبنده و نامعطف بودن کارکردهای عرضه و برنامه‌ریزی‌های آموزشی و درسی نظام آموزش عالی در مقابل تحولات و علائم بازار کار	
۳۸	۳۳	۱۲ چسبنده و نامعطف بودن بازار کار و کارکرد ناقص و ضعف بنیادین و ساختاری مدیریت کار و اشتغال در جامعه به دلیل عرضه زیاد نیروی کار	

## بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی الگوهای ذهنی اعضای هیئت علمی در مورد پیامدهای رشد کمی دانشجویان بود. در مجموع، ۳۸ پیامد رشد کمی دانشجویان شناسایی شد. براساس یافته‌های روش‌شناسی کیو دو ذهنیت متمایز نسبت به پیامدهای رشد کمی دانشجویان شناسایی شد. در ادامه، به بررسی این ذهنیت‌ها، یا به عبارت دیگر تحلیل آرایه‌های عاملی هر یک از الگوهای ذهنی پرداخته خواهد شد.

### الگوی ذهنی اول: مخالفان رشد کمی دانشجویان

خبرگانی که در این گروه قرار گرفتند، با این رویکرد که دانشگاه به عنوان نهاد برتر آموزش و پرورش نیروی انسانی مورد نیاز باید با بررسی عرضه و تقاضای نیروی انسانی و نیازسنجی بازار به پرورش نیرو پردازد و با تغییر زیرساخت‌های خود، زمینه لازم برای ایجاد تغییر و تحول در سایر ارکان جامعه را فراهم آورد، عمده توجه خود را بر پیامدهای منفی افزایش بی‌حد و مرز و بدون بررسی مناسب ورودی دانشگاه‌ها متمرکز نمودند. این گروه از خبرگان کاهش کیفیت فارغ‌التحصیلان به سبب کمی‌گرایی، و روند رو به رشد بیکاری تحصیل‌کردگان و معضلات پس از آن را مهم‌ترین پیامد رشد کمی دانشجویان می‌دانند. شایان ذکر است در حال حاضر سیاست‌های حاکم بر دانشگاه‌ها (به‌ویژه دانشگاه‌های غیردولتی) بر رشد کمی دانشجویان متمرکز است که این امر منجر شد دانشگاهی که با رسالت بزرگ علم‌آموزی ایجاد شد، بستر سودجویی و سودآوری‌ها گردد. بنابراین، فضای حاکم بر دانشگاه‌های ایران از فضای آکادمیک فاصله گرفته است؛ فضایی که مملو از زدوبندهای مختلف و رانت‌بازی در حوزه‌هایی چون تدوین مقالات، واگذاری پروژه‌ها، و غیره است، نمی‌تواند محیطی برای اجرای مأموریت‌های مهم دانشگاهی که همانا رفع معضلات و مشکلات جامعه و افزایش سطح علمی و کارایی آحاد مردم است، فراهم کند. برای مثال گروهی معتقدند به دلیل عدم تناسب تعداد اعضای هیئت علمی با دانشجویان، تعداد زیادی پایان‌نامه توسط یک استاد راهنمایی می‌شود و این موضوع منجر به کاهش کیفیت پایان‌نامه‌ها می‌شود. این گروه معتقدند اتفاقی که طی سال‌های گذشته در دانشگاه‌های ما رخ داده، ضعف و ناکارآمدی حوزه آموزش را مضاعف کرده است و نه تنها نتوانسته باری از مشکل نظام آموزشی بردارد، بلکه بار مشکلات را بیشتر و سنگین‌تر کرده است. رشد بی‌رویه پذیرش دانشجویان بدون ارزیابی‌های کارشناسانه و آینده‌نگرانه، شمار فراوانی را—چه دانش‌آموخته و چه تنها مدرک‌گرفته—روانه بازار کار کرده است. به این ترتیب، شاهد افزایش بی‌سابقه

تحصیل‌کردگان بیکار در جامعه هستیم که معضلی سخت و مهم برای کشور محسوب می‌شود. به اعتقاد این گروه، نسبت هیئت علمی دانشگاه‌ها به دانشجویان نشان می‌دهد هیچ تناسبی بین این دو وجود ندارد. به عبارتی، تعداد استادان نسبت به دانشجویان بسیار کمتر از میزان استاندارد است. این فاصله زیاد منجر به تنزل سطح یادگیری و آموزش در دانشگاه‌ها شده است. این نکته نشان می‌دهد بدون بسترسازی‌های لازم برای توسعه آموزش، تنها به رشد کمی بسنده کرده و کیفیت را قربانی کرده‌ایم. از دیگر آسیب‌های کمی‌گرایی به اعتقاد اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و خبرگان، تولید علمی فراوان، اما بی‌کیفیت است که برای دانشجویان جز به منظور گرفتن مدرک و برای مدرسان غیر از هموارکردن مسیر رشد حرفه‌ای- شغلی ارزش دیگری به همراه نداشته و ندارد. سوال این است که چند درصد از مقاله‌ها و پایان‌نامه‌ها به ویژه در حوزه علوم انسانی توانسته پاسخگوی نیازهای کشور باشد و آیا میزان این تولیدها نشان‌دهنده بار بیشتر علمی یک جامعه است؟ سطحی‌شدن، بی‌محتوایی و در یک کلام بیهودگی دانش، یکی از پیامدهای کمی‌گرایی در این الگوی ذهنی است، زیرا دوری از نگرش کاربردی و عمقی، به گسترش پهنای علم بدون دستاوردی پایا می‌انجامد. پیامد دیگر رشد کمی دانشجویان از نظر این گروه از خبرگان، مدرک‌گرایی است. در سال‌های اخیر میل به گرفتن مدرک تحصیلی از کارشناسی به مقاطع بالاتر سوق یافته است، تعداد رو به افزایش متقاضیان مدارک تحصیلات تکمیلی مؤید این مطلب است. مدرک‌گرایی در بلندمدت به رکود علمی می‌انجامد و سرمایه‌های انسانی کشور را رو به زوال می‌برد. در این شرایط، کشور در بخش‌های گوناگون نظام سیاسی- اداری و نیز ساختارهای اقتصادی، بنگاه‌های صنعتی و تولیدی، بخش بهداشت و درمان و... با ضعف شدید تخصص دست به گریبان خواهد بود. در پایان، در تحلیل این دیدگاه باید یادآور شد، بخشی از ضعف آموزش عالی در زمینه نظری و روش‌شناختی است که در عواملی چون «مسئله‌محور» نبودن آموزش و پژوهش، نادیده‌گرفتن مسائل جامعه در مدیریت آموزشی و ایجاد فضای انتزاعی و غیرکاربردی در آموزش علوم به ویژه علوم انسانی ریشه دارد. در این زمینه توجه به برنامه‌های بلندمدت و هدفمند در زمینه پژوهش و آموزش امری بایسته است که باید تحت هدایت مدیریت بر پایه خرد جمعی و نیروی متخصص صورت گیرد. بنابراین، دولت باید با سیاستگذاری‌های صحیح توسعه کمی دانشگاه‌ها را محدود کند و به تربیت نیروی انسانی متخصص و کارآمد در نظام آموزش عالی کشور همت گمارد.



### الگوی ذهنی دوم: موافقان رشد کمی دانشجویان

برخی از خبرگانی که در این تحقیق شرکت کردند دیدگاهی مثبت نسبت پیامدهای رشد کمی دانشجویان داشتند. اعضای این گروه معتقدند دانشگاه‌ها به عنوان نهاد اصلی پرورش نیروی انسانی بهتر است ذخیره‌ای از نیروی انسانی مجرب و دانش‌آموخته را برای کشور فراهم کند. این گروه معتقدند آموزش در جامعه نقشی مهم و کلیدی دارد، به طوری که بخش مهمی از بار توسعه و پیشرفت کشور بر دوش حوزه آموزش در یک جامعه است و دانشگاه به عنوان عالی‌ترین پایگاه آموزش، نیروی انسانی لازم برای این هدف را تأمین می‌کند. البته شایان ذکر است به اعتقاد این گروه در این فرایند، علوم انسانی دارای اهمیتی فراوان است و از این رو، یکی از مهم‌ترین کانون‌های تمرکز علمی در بیشتر جوامع دانش‌هایی است که به‌طور مستقیم انسان را به عنوان نخستین هسته کنشگری فردی و اجتماعی مورد مطالعه قرار می‌دهد. در این الگوی ذهنی بیشتر بر پیامدهای فرهنگی تکیه شده است که در پی آن سطح فرهنگ و دانش جامعه بالا رفته و بلوغ اجتماعی افراد در محیطی علمی ارتقا می‌یابد. دانشگاه به عنوان محیطی سالم برای آموزش افراد و ایجاد جوی برای یادگیری و اجتماعی‌شدن در دوران تهاجم فرهنگی و آسیب‌های اجتماعی کنونی محل مناسبی برای رشد افراد است. از نظر اقتصادی نیز دانشگاه‌ها با پذیرش دانشجویان غیرروزانه از بار مالی دولت کاسته و به صورت خودگردان‌تر اداره می‌شوند و این با اصل ۴۴ قانون اساسی همخوانی دارد. از طرفی، این گروه اعتقاد دارند رشد کمی دانشجویان، باعث رقابت بیشتر می‌شود و داوطلبان ناگزیرند برای کسب موفقیت، داشته‌های خود را افزایش دهند و تلاش بیشتری نمایند که در نهایت منجر می‌شود دانشجویان و فارغ‌التحصیلان، پایه علمی قوی‌تری داشته باشند و بتوانند در عرصه تحصیلات تکمیلی که عرصه تحقیق، پژوهش، اکتشاف و اختراع است، موفق‌تر عمل کرده، و در بازار کار نیز با موفقیت بیشتری عمل کنند. سیاستگذاری در زمینه رشد کمی تحصیلات تکمیلی به عنوان یکی از وظایف مهم حاکمیتی همواره مورد بحث بوده است. این موضوع به سه جهت حائز اهمیت است؛ نخست، بخش عمده‌ای از آموزش عالی رایگان و با بودجه دولتی است، دوم اینکه افزایش فارغ‌التحصیلان با تغییر در ترکیب نیروی کار و مطالبات شغلی همراه خواهد بود؛ و سوم، افزایش سطح آگاهی‌ها و توقعات دانش‌آموختگان، افزایش مطالبات از دولت و حکومت را در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به همراه خواهد داشت. از سوی دیگر، افت کیفیت خروجی (دانش‌آموختگان، پایان‌نامه‌ها، مقالات، طرح‌های پژوهشی و ...) از دیگر پیامدهای رشد نامتوازن کمی دانشجویان است. شایان ذکر است توازن و تعادل رشد دانشجویان متناسب با نیاز بازار کار و بر مبنای نیازسنجی بازار کار برای بلندمدت (حداقل دوره چهارساله آتی)، موجب کاهش

پیامدهای رشد کمی دانشجویان می‌شود، ضمن اینکه پیشنهاد می‌شود صدور مجوز پذیرش دانشگاه‌ها در هر مقطع و در هر رشته تحصیلی بر مبنای نیازسنجی یادشده انجام گیرد.

### توصیه‌های سیاستی

همان‌طور که مشاهده شد در میان اعضای هیئت علمی دو الگوی ذهنی متفاوت در مورد رشد کمی دانشگاه‌ها وجود دارد. الگوی ذهنی اول که الگوی ذهنی مخالفان رشد کمی دانشگاه‌ها و الگوی ذهنی دوم مربوط به موافقان رشد کمی دانشگاه‌ها است. با توجه به اینکه بیشترین تعداد پاسخگویان رشد کمی دانشگاه را نامناسب دانسته‌اند و با توجه به گزاره‌هایی که پیامدهای رشد کمی دانشگاه‌ها را از نظر اعضای هیئت علمی بیان می‌کند، پیشنهاد می‌شود پیش از صدور مجوز ظرفیت دانشگاه‌ها، نیازسنجی بازار کار برای دوره میان‌مدت و بلندمدت به تفکیک رشته‌ها و مناطق جغرافیایی انجام گیرد. از طرفی، با توجه به تمرکز دانشگاه‌ها در مرکز کشور نه تنها وضعیت بازار کار تحصیل‌کردگان در این مناطق را بسیار نامناسب کرده است، بلکه حجم مهاجرت به مناطق مرکزی کشور را افزایش داده است، به این منظور پیشنهاد می‌شود از با تصویب مصوبات مناسب و ایجاد ضمانت اجراهای مطمئن نه تنها مجوز تأسیس دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی جدید در استان‌های مرکزی کشور صادر نشود، بلکه ظرفیت این دانشگاه‌ها محدود گردد. با توجه به سونامی دکتری در ایران، محدودکردن این مقطع متناسب با نیاز بازار کار بر مبنای رشته و مهارت مورد نیاز از اولویت‌ها باشد. تغییر در محتوای آموزشی با توجه به نیاز بازار کار در یک برنامه برنامه و منسجم توسط بخش‌های ذیربط دولتی، از توصیه‌های دیگری است که به متناسب‌سازی و کاهش نرخ بیکاری تحصیل‌کردگان کمک می‌کند و ترویج فرهنگ کارآفرینی و ارائه حمایت‌های لازم و مطمئن به تحصیل‌کردگان دانشگاهی. در نهایت، نظارت دقیق‌تر بر نحوه عملکرد دانشگاه‌های غیردولتی به منظور محوریت آموزش و کیفیت به جای محوریت درآمدزایی و کمیت.

### References:

- 1- Abbasi, Mohammad Reza and Shirepaz Arani, Ali Asghar, 2011, Policy making of Higher Education Quality: Challenges and Prospects. The fifth conference on quality assessment in the academic system, University of Tehran, Technical College Campus, May 2019 [in Persian].
- 2- Arasteh, Hamidreza, 2005, Evolution of higher education, historical developments and problems facing developing countries. Approach, No. 36, pp. 5-15 [in Persian].
- 3- Bazargan, Abbas, 2015, Higher education standards: from ideal to reality. Higher Education Letter, Year 8, Number 30, Pages 11-23 [in Persian].
- 4- Brown, S.R., 1996, Q Methodology and Qualitative research. Qualitative Health Research, 6(4), pp.561-567.

- 5- Corr, S., 2001, An Introduction to Q Methodology, a Research Technique. *British Journal of Occupational Therapy*, 4(6), pp. 293-297.
- 6- Dhamdhare, N. S., 2015, Importance of knowledge management in higher educational institutes. *Turkish Online Journal of Distance Education*, 16 (1), pp.162 -183.
- 7- Donner, J. ,2001, Using Q-sort in Participatory Processes: An Introduction to the Methodology. *Social Development Paper*, 36(4), pp.24-49.
- 8- Fereidouni, Somayeh, 2017, Quantitative expansion of higher education with an emphasis on the social implications of data base theory. *Research and Planning in Higher Education*, Volume 23, Number 4, Pages 69-96 [in Persian].
- 9- Gadimi, Ismail, 2013, Pathology of education in Iran: a critical approach to the formation, growth and institutional, structural and functional relations. *Social Sciences*, No. 69, pp. 19-29 [in Persian].
- 10- Khoshgooyan Fard, Alireza, 2007. *Methodology of Q*. Tehran: Media Organization Research Center Publications, Tehran [in Persian].
- 11- Kyllonen, P.C., 2012, The importance of higher education and the role of non-cognitive attributes in college success. *Pensamiento Educativo*, 49(2), pp.84-100.
- 12- McKeown, B.F.; Thomas, D., 1988, *Q Methodology*, Sage Publication Inc.
- 13- Mortaz Hejri, Sara and Jalili, Mohammad, 2016, The trend of quantitative growth of postgraduate education in the country compared to the world during ten years. *National Congress on Higher Education of Iran* [in Persian].
- 14- Naderi, Abulqasem and Ismailnia, Neda, 2011, Internationalization of higher education and improvement of university quality. *The fifth conference on quality assessment in the academic system, University of Tehran, May 2019* [in Persian].
- 15- Noorshahi, Nasreen, 1993, The position of higher education in comparison with 26 countries of the world. *Tehran: Higher Education Research and Planning Quarterly*, No. 4, pages 139-182 [in Persian].
- 16- Qaroun, Masoumeh, 2014, Higher education development policies in recent years: capacity development or waste of resources. *Management and Development Process*, Volume 27, Number 2, Pages 3-28 [in Persian].
- 17- Shahrakipour, Hassan and Jamali, Shadi, 2011, The effect of internal evaluation on educational quality and identifying the strengths and weaknesses of the educational group. *The fifth conference on quality assessment in the academic system, University of Tehran, Technical College Campus, May 2019* [in Persian].